



(۲۳)

بشر دوستان آدم کش !!

در شماره پیش ، بانصوح مناقض کتاب مقدس ، و روش عملی پیروان مسیح ، در مورد آزادی مذهبی ، آشنا شدیم ، اینک توجه شمارا بدنباله آن بحث ، جلب مینمائیم .

* * *

خونی که بدست مسیحیان ، روی زمین ریخته شده ، نظیر آن ، در تاریخ بشریت دیده نشده است ! این بشر دوستان آدم کش ، گاهی صرفاً روی تعصبات مذهبی و یا اختلافات جزئی ، بجان مردم بی گناه می افتادند و هنگامیکه گروهی بجرم الحاد و بدعت ، و سرپیچی از فرمان ارباب کلیسا ، از طرف پاپ ، تکفیر میشدند و حکم قتل آنها صادر میشد ، در ریختن خون آنان ، از هیچگونه اعمال و حشیانهای دروغ نمی ورزیدند !

تاریخ مسیحیت مخصوصاً در قرون وسطی مملو از این نوع آدم کشیها و کشتارهای بیرحمانه است و ما برای روشن شدن حقائق ، نشان دادن سیمای واقعی این مدعیان بشر دوستی ، کمی تاریخ را ورق میزنیم : در سال ۱۲۰۸ که پاپ «انوسان» سوم ، «آلمی» هارا تکفیر کرد ، سیل مجاهدان ! بطرف آنها روان گردید و دمار از روزگار آنان ، بر آوردند !

در موقع تصرف شهر «لاور» که یکی از مراکز آنها بود ، «امری» رئیس ساخلوهای شهر را با تفاق هشتاد تن از جنگاورانش ، بخارج شهر ، بردند و قرار شد آنها را بداریاویزند ، لیکن چوبه های دار ، سرنگون شد ، لذا همه آنها را سر بریدند ، وزن «امری» را بچاهی افکنده و چاه را از سنگ پر کردند و آنگاه اهالی را در میان قلعه شهر گرد آورده و قلعه را آتش زدند ، بطوریکه همه آنها زنده در آتش سوختند !!

کشیشی که از طرف پاپ ، اردوها را رهبری میکرد ، در گزارش خود ، در باره فتح شهر «بزیه» که یکی از مراکز «مرتدین» ، بشمار میرفته چنین شرح میدهد : «شهر ، در عرض دو ساعت قبضه شد ، و افراد ما که نه بمقام توجهی داشتند ، نه بسن ، و نه مردوزن می شناختند ، قریب بیست

هزار نفر را کشتند و شهر را سراسر، غارت کردند و بعد طعمه حریق ساختند! (۱)
در عهد هانری چهارم، پادشاه فرانسه، مجاهدان اسپانیا، اهالی قصبه «دولان» را که
از طرف مقامات روحانی مرتد شناخته شده بودند، تصرف نمودند و تمام سکنه آن را که متجاوز
از چهار هزار نفر بودند، بادت خفه کردند!

میگویند: چندی بعد، یکی از همان آدم کتها، در محفل انسی، محض خنده چنین گفته
بود: ما چاره نداشتیم، اگر عددشان، کمتر بود، طبیعاً کمتر کشته میشدند!
در ایالت «وود» واقع در جنوب فرانسه شهر ویست و دو دهکده مورد تکفیر، قرار گرفته
و پیروان کلیسا ۳۰۰۰ نفر از اهالی را خفه کردند و هزارهاتن را اسیر و اطفالشان را به بردگی
فروختند و همه شهر و دهکده‌ها را آتش زدند!

در نیمه قرن شانزدهم، هانری دوم، برای مجازات پیروان «کالون» که یکی از مسیحیان
آزادیخواه و طرفدار اصلاحات کلیسا بود، محکمه‌ای بنام «محکمه پرشور» تأسیس کرد و در
مدتی کمتر از سه سال، پانصد نفر را محکوم بمرگ کرد!

در یک واقعه دیگر، بدستور «مارتین لوتر» رهبر پروتستان‌های آلمانی، بالغ بر ۲۸۰۰۰
نفر بدست پیروان متعصب وی کشته شدند!

در عهد شارلمانی که مورخان اروپائی آن را عصر تحول نامیده‌اند ۴۵۰۰ نفر از مشرکین
«ساکس» را در میدان «وردن» بقطار کشیده و همه را تا نفر آخر سر بریدند! (۲)

جنگهای مذهبی!

سختگیری‌های فوق‌العاده و توان فرسای کلیسا نسبت به مردم، فروش آمرزشنامه‌ها از
ناحیه ارباب کلیسا، وضع قوانین غیر عقلایی از قبیل تحریم ازدواج برای کشیشان و راهبه‌ها،
برقراری رسوم مسخره و بی‌اساسی بنام «عشاء ربانی» اختصاص دادن تفسیر و تعبیر کتاب مقدس
به پدران روحانی، قراردادن مالیاتهای سنگین و کمر شکن، بر مردم بفتح کلیسا و صدها
نظائر اینگونه کارهای دور از حقیقت و ظالمانه، موجب گردید که گروهی از روشنفکران مسیحی
مانند لوتر، زوینگلی، ژان کالون، ویکلیف ... بر ضد ارباب کلیسا قیام کرده اعمال نادرست
و روشهای ناپسند آنان را سخت مورد انتقاد قرار دهند.

از آنجا که مردم زجر کشیده مسیحی نیز خواهان رهایی از زیر یوغ تکالیف کمر شکن
کلیسا بوده میخواستند اصلاحاتی در امور کلیسا و روشهای ظالمانه آن، صورت گیرد، از اینجهت

(۱) جنگهای صلیبی ج ۱

(۲) مراجعه شود به کتابهای: تاریخ عمومی آلبرماله - تاریخ تمدن ویل دورانت

با پرچمداران انقلاب ، هم آواز گشته با آنان همکاری جدی آغاز نمودند .
 ارباب کلیسا بمنظور استقرار حکومت و آقائی خود، در مقام خاموش کردن سروصدای
 مخالفان برآمده ، در نتیجه این جدال و کشمکشها دسته‌ها و شعبه‌های تازه‌ای در مسیحیت پدید
 آمد و ملیونها نفر جان خود را در سر طرفداری از یکی از این دسته‌ها ، از دست دادند !

در زمان شارل نهم و کاترین دوم دیس ، کاتولیکها در روز عید و سن بار تلمی ، دست به قتل عام
 مسیحیان «پروتستانی» زدند، در این واقعه که در ۲۲ اوت ۱۵۷۲ صورت گرفت از سبیده دم تا
 حوالی ظهر در حدود ۲۰۰۰ نفر تنهادر پاریس قتل عام شدند !

این کشتار وحشیانه تا چهار روز ادامه پیدا کرد و مجموع کشته‌شدگان این واقعه را تا
 ۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده اند ، و میگویند در این قتل عام ، رودخانه «سن» از کشتگان ، سرخ-
 فام گردیده و اجساد مقتولین، در آن شناور بود !

از سال ۱۵۶۲ تا ۱۵۸۹ در فرانسه هشت جنگ و وحشتناک و خونین پدید آمد و هزاران
 نفر کشته و ملیونها تومان خسارت به مملت فرانسه وارد شد و انگیزه آن جنگها جز اختلافات مذهبی
 میان پیروان آئین مسیح، چیز دیگر نبوده و لذا در کتب تاریخ از آنها بنام «جنگهای مذهبی»
 یاد شده است .

آلبرماله بعد از نقل تفصیل جنگهای مزبور، مینویسد: «درنده خوئی که در جنگهای
 مذهبی و علی‌الخصوص در محاربات نخستین ، ظاهر شد، هول‌انگیز بود و در نظر آنها آدم-

کشی مانند هرزه گردان امروزی کاری آسان ، تلقی میشد» (۱)
 در فرانسه تا اواخر قرن ۱۶ محدودیت پروتستانها از طرف کاتولیکها بجائی رسیده بود
 که آنها آزادی شرکت در اجتماعات و تصدی مقامات دولتی را نداشتند ، حتی نمیتوانستند
 مردگان خود را در قبرستان کاتولیکها دفن کنند و تعداد تشیع کنندگان آنان، نیز نمی‌بایست
 از ۳۰ نفر تجاوز کند و در هنگام عروسی و تعمید نیز بیش از ۱۲ نفر حق اجتماع، نداشتند !
 تا هائری چهارم در سیزدهم آوریل ۱۵۹۸ فرمانی صادر کرد و بموجب آن، پروتستانها تقریباً
 در تمام فرانسه «آزادی مذهبی» یافتند و با کاتولیکها از هر حیث برابر شدند، و میتوانستند
 در کارهای دولتی داخل شوند و همچنین مجاز بودند که برای شور در مصالح خویش انجمنهای

عمومی تشکیل دهند و چندین سال نیز چند قلعه برای پناهگاه خود داشته باشند! (۱)

البته این جنگ و جدالها و نبودن آزادی مذهبی در میان مسیحیان بشر دوست! بهیچوجه اختصاص به فرانسه نداشت. در سراسر کشورهای اروپائی وضع بهمین منوال بود، مثلاً در انگلستان، در سال ۱۶۴۸ برابر فساد کلیسای مسیحی قانونی از پارلمان گذشت که بر طبق آن، هر کسیکه عقیده ای مخالف عقیده تثلیث ابراز میداشت محکوم باعدام میشد و نیز در سال ۱۶۸۸ پارلمان انگلستان، مذهب رسمی کشور را پروتستان معرفی نمود و مقرر داشت که هیچ مسیحی کاتولیک حق ندارد، در انگلستان به مراسم مذهبی خود عمل کند!

اعمال وحشیانه و آدم کشیهای مسیحیت، و جنگهای مذهبی میان فرقه های مختلف مسیحی منحصر به قرون وسطی و دوران سیاه گذشته نبوده، در عصر ما که «آزادی مذهبی» طبق «اعلامیه حقوق بشر» از حقوق مسلم ملتها بشمار آمده نیز رائج است چندماه قبل، خبر گزارها جنگ وحشیانه میان دو فرقه «کاتولیک» و «پروتستان»، «ایرلند شمالی» را بعنوان اخبار مهم روز، بشرح زیر، نقل نمودند:

«از ماهها پیش، اختلافات مذهبی مسیحی کاتولیک - پروتستان، در ایرلند شمالی شدت یافت و سرانجام، به جنگ مذهبی تبدیل شد و دهها کشته و زخمی، توأم با خسارات مالی فراوان، از خود بیادگار گذاشت!

دولت انگلستان، برای جلوگیری از ادامه جنگ مذهبی داخلی، به ایرلند شمالی نیرو فرستاد. ولی زدو خورد، تیراندازی، آتشسوزی و خرابکاری بین دو فرقه مسیحی همچنان ادامه دارد!»

آنگاه یکی از نویسندگان بزرگ، ضمن مقاله ای در این باره نوشت: «ایکاش این کودکان خردسال آمریکائی که هرروزه پیام مهر و محبت و برادری و صلح و صفای مسیح را طی رسالاتی کوچک و بزرگ به درخانه مسلمانان شهرها میبرند، خود و والدین ایشان مأمور هدایت و دستگیری کسانی میشدند که در وقتنام، از ریختن خون بودائیان، و در ایرلند، از ویران کردن سرای مسیحیان، پروائی ندارند!

حوادث نژادی و مذهبی در آمریکا و ایرلند، نشان میدهد که «عالم مسیحیت» هنوز به رهبری اخلاقی، احتیاج کامل دارد. (۲)

(۱) تاریخ قرون جدید ج ۲ ص ۲۸۱۱

(۲) تهران مصور شماره ۱۳۵۲ مقاله محیط طباطبائی.